

# انسان همیشه

دقیق و حسابرسی‌های سخت‌گیرانه با بهار قیاس کرد؟ آری می‌توان چنین کرد. برای آن کس که در قیامت چشم بینا دارد، برای آن کس که سبک‌بار است و سبک‌بال وارد صحرای قیامت می‌شود؛ برای آن کس که در تمام زندگی شوق دیدار بار را در دل پرورانده، برای او که عصیان خداوند را برنتافته و هر گونه حرمت‌شکنی را با دلی رنجور به نظاره نشست؛ برای آنی که از خودخواهی‌ها، ظلم‌ها، سرکشی‌ها، ددمنشی‌ها، به تنگ آمده؛ برای آنی که عمری بر غربت اولیای الهی ندیده و نالیده؛ و برای تمامی آنانی که از باطل گریزان بوده و در انتظار حق مطلق موی سپید کرده‌اند، قیامت صحنه زیبای زندگی است؛ قیامت برایش بهار زندگی است. قیامت جمع‌گاه اولین و آخرین است؛ قیامت تجلی‌گاه اراده محض الهی است و چه جلوه‌گاه زیبایی؟! ولی برای آنانی که غرق دنیا گشته‌اند؛ برای آنانی که در تردید آخرتند؛ برای آنانی که برای گذران شکسته‌بسته این زندگی، از انجام هر عملی پرهیز ندارند؛ برای آنانی که دروغ می‌گویند، سخن چینی می‌کنند، فتنه‌گری کرده، آتش در کوره دشمنی‌ها

بهاری دیگر از راه رسید. اگر چه هر فصلی، در جای خود زیبایی‌های خاصی دارد و هر فصل نیز طرفداران ویژه خود را، لکن هیچ فصلی در زیبایی و دل‌ربایی چون بهار مورد اتفاق همگان نیست. همگان واژه بهار را تداعی‌گر شکفتگی، طراوت، زندگی، نسیم دلنشین و روح‌افزا، زاینده‌گی و حیات بعد از مردگی می‌دانند. قرآن کریم، به زیبایی، بهار را آیتی از برپایی قیامت می‌شمارد؛ آن‌جا که می‌فرماید: یخرج الحی من المیت و یخرج المیت من الحی و یحیی الارض بعد موتها و کذلک تخرجون (سوره روم آیه ۱۹) زنده را از مرده بیرون آرد و مرده را از زنده و زمین را پس از مردنش زنده می‌سازد و شما را نیز این‌گونه زنده خواهد کرد.

این آیه، چه آیه امیدبخشی است که در آن برپایی قیامت، به بهار تشبیه می‌شود، در حالی که می‌دانیم قیامت برای بسیاری از ما یادآور سختی، شدت، غلظت و حساب‌کشی است و آیا این واژه‌ها و تعبیرات می‌تواند با یاد بهار، یعنی طراوت و شادابی و شادابی متداعی شود؟ آیا می‌توان قیامت را با آن توصیف‌های

# در سفر است

## رهاورد بهار برای مشاوران

علی اصغر احمدی

و کم‌ترین خواسته‌اش بهشت است. این انسان می‌داند که برای رسیدن به سرمنزل مقصود، باید از امام خود پیروی کند. او امام زمان خویش را می‌شناسد. انسان مطلوب در نگاه مشاور مسلمان همیشه در حال سفر و سیورورت است؛ او ساغر و صائر است. از این رو او را کمک می‌کند تا خستگی‌ها را از تن بیرون کرده و به سفر خود ادامه دهد. انسان اسلامی، در رفتن و پوییدن زندگی می‌یابد نه در ماندن و سکون، چنین انسانی مرگش آغاز حیات است. همان‌گونه که طبیعت حیات خود را با بهار آغاز می‌کند، انسان تراز اسلامی، نه تنها در این جهان با اطمینان و آرامش زندگی می‌کند که مرگ را نیز آغاز بهار زندگی می‌بیند. چرا که: «اذا مات ابن آدم، قامت قیامته» خدایا ما را در زمره کسانی قرار ده که در این دنیا چنان پاکیزه زیستند که مرگ آغاز بهار زندگیشان باشد.

خدایا چنان کن سرانجام کار  
تو خشنود باشی و ما رستگار

و تباهی‌ها می‌ریزند، از خدا غافل‌اند و در خودبینی خود غرق؛ و برای آنانی که چشم بر آیات الهی بسته‌اند، قیامت آغاز تاریکی‌هاست؛ آغاز سرگردانی، بی‌سامانی، وحشت و عذاب است. قیامت برای پاکان آغاز بهار راستین زندگی است و برای ناپاکان آغاز تیره‌روزی و سیاهی است.

برای تمامی فرزندان آدم، برای تمامی نسل‌ها و در تمامی سرزمین‌ها، بهاری را آرزومندم که به بهار حقیقی عالم پیوسته باشد. مشاوره در نگاه اسلامی، زندگی را در برهه حقیقی خود، از مبدأ تا معاد گسترده می‌بیند. مشاوران با نگاهی چنین گسترده، سعادت‌مندی و به‌زیستی انسان را برای ابدیت می‌خواهند. برای این چنین مشاورانی، زمانی کار به نتیجه رسیده است که یاری خواهان آنان، با چهره‌هایی گشاده، خدا را به نظاره نشسته باشند؛ درونی مصفا و عاری از پلیدی داشته و با یاد خدا آرامش و اطمینان داشته باشند. برای مشاوران مسلمان، انسان تراز، انسانی است که با خدا زیسته و متوکل به اوست. انسان الگو انسان ابدی است نه انسان محصور در میان دو نقطه تولد و مرگ